



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.3, No3, 105-132.

## Studying the Dimensions and Components of Citizenship Rights in Nahj al-Balagha<sup>1</sup>

Behnaz Babaei Morad<sup>2</sup>

Zeinab Darvishi<sup>3</sup>

### Abstract

*Social science thinkers consider citizenship rights to be one of the most important indicators of stability and security in any society. Citizenship rights mean that citizens of a city enjoy a series of responsibilities and privileges. From the perspective of Islam, the essence of citizenship rights is to preserve human dignity and human value in society and to promote the principles of equality and freedom in the exploitation of divine and national blessings. Nahj al-Balagha is one of the most important Islamic texts, the concepts and themes used in it provide useful models in the field of citizenship rights for governments and modern humans. The present study uses the qualitative content analysis method. Sermons and Letters of Nahj al-Balagha seek to study the dimensions and components of citizenship rights from the perspective of Imam Ali (AS). The findings of the research show that the most important dimensions of citizenship rights in Nahj al-Balagha are: social rights of citizens, political rights of citizens, economic rights of citizens, cultural rights of citizens, spiritual rights of citizens, and judicial rights of citizens.*

**Keywords:** Citizenship, Citizenship Rights, Imam Ali (AS), Nahj al-Balagha

---

<sup>1</sup> Received: 17/10/2024; Accepted: 19/11/2024; Printed: 23/11/2024

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Urban Planning, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. ur.behbm@yahoo.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Education, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. zdarvishi560@gmail.com (Corresponding Author)



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال سوم، شماره سوم (پیاپی یازدهم) پاییز ۱۴۰۳، ۱۰۵-۱۳۲.

## مطالعه ابعاد و مؤلفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه<sup>۱</sup>

بهناز بابایی مراد<sup>۲</sup>

زینب درویشی<sup>۳</sup>

چکیده

متفکران علوم اجتماعی حقوق شهروندی را یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ثبات و امنیت در هر جامعه‌ای می‌دانند. حقوق شهروندی به معنای برخورداری شهروندان یک شهر از یک‌سری مسئولیت‌ها و امتیازات است. از منظر اسلام، جوهره حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و ارزش بشر در اجتماع و ترویج اصول مساوات و آزادی در بهره‌برداری از مواهب خدادادی و ملی است. نهج البلاغه یکی از مهم‌ترین متون اسلامی است که مفاهیم و مضامین به کار رفته در آن الگوهای مفیدی را در زمینه حقوق شهروندی در اختیار حکومت‌ها و انسان امروزی قرار می‌دهد. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، درصدد مطالعه ابعاد و مؤلفه‌های حقوق شهروندی از منظر امام علی علیه‌السلام است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین ابعاد حقوق شهروندی در نهج البلاغه عبارت‌اند از: حقوق اجتماعی شهروندان، حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اقتصادی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، حقوق معنوی شهروندان و حقوق قضائی شهروندان.

**واژگان کلیدی:** شهروندی، حقوق شهروندی، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۹؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۹/۳

۲. استادیار گروه شهرسازی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران ur.behbm@yahoo.com

۳. استادیار گروه معارف، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران zdarvishi560@gmail.com

(نویسنده مسئول)

## بیان مسئله

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی ۱۷۹۱ قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی ملل متحد به امضای کشورها رسید، در بسیاری موارد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه الهام گرفته است. این حقوق از بنیادی‌ترین حقوق انسان شامل حق زندگی، حق آزادی، زندگی مطلوب و مناسب، حق تعلیم و تربیت و معیشت، حق مشارکت و حق تعیین‌کنندگی، است (کوثری داریانی و همکاران، ۱۴۰۱). مفهوم حقوق شهروندی، به مجموعه حقوقی اطلاق می‌شود که به هر فرد از افراد اجتماع به مناسبت عضویت در جامعه تعلق می‌گیرد و شامل قواعد و قوانینی می‌شود که موقعیت آنها را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد (قدیری و همکاران، ۱۴۰۱). حقوق شهروندی از جمله ضروریات اساسی برای زندگی افراد در شهرها است و به‌طور گسترده‌ای به عدالت و مساوات توجه دارد. در واقع، حقوق شهروندی از مهم‌ترین موضوعات محوری حقوق معاصر است که برخی از محققان پیشینه آن را در اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر ردیابی می‌کنند (دیرنیا و شجاعی، ۱۴۰۰). با این حال، حقوق شهروندی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مختلفی همچون ارسطو و افلاطون بوده است. دین مبین اسلام نیز یکی از ادیانی است که در زمینه حقوق شهروندی (حق حیات، حق آزادی بیان، حق تعیین سرنوشت، حق برخورداری از امنیت، حق برابری و عدم تبعیض و...) قواعدی را برای زندگی در جامعه مطرح کرده است. مکتب اسلام در تدوین حقوق شهروندی نگاه تعالی‌جویانه به انسان دارد (خلعتبری لیمایی، حسام‌الدین و جعفری‌نسب، ۱۳۹۷). در جامعه اسلامی همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردارند و در تمام شئون جامعه و حکومت مشارکت دارند که در این منظور، مفهوم شهروند حتی به غیرمسلمانان نیز اطلاق می‌شود. از منظر اسلام، جوهره حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و ارزش بشر در اجتماع و ترویج اصول مساوات و آزادی در بهره‌برداری از مواهب خدادادی و ملی و نیز توزین حقوق و مسئولیت‌ها بر اساس شاخصه عدالت در فرایند

تعامل شهروندان با یکدیگر و با دولت است؛ چراکه همه انسان‌ها از حقوق یکسانی برخوردارند و در اصل، همه انسان‌ها در گوهر انسانیت، ارزش و حیثیت ذاتی انسانی یکی هستند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۵).

امروزه حقوق شهروندی از مسائل و دغدغه‌های ضروری هر جامعه بوده و شهروند از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی سیاسی است که در هر عصری از طرف متفکران آن زمان مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد. جامعه ما جامعه‌ای است منبعت از ارزش‌های اسلامی که تعالیم خود را از آموزه‌های قرآنی و روایی فراگرفته است. با نگاهی به آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه راهبردهای کلی و فراگیری را می‌توان به دست آورد که پاسخ‌گوی انسان در هر زمان و مکان است (شرقی ۱۳۹۰، ۹۶). در مقاله حاضر تلاش بر آن است که حقوق شهروندی بر پایه مفاهیم نهج‌البلاغه رصد و تبیین شود. با دقت و غور در این دو کتاب شریف می‌توان به اهمیت رعایت حقوق شهروندی بدون توجه به قوم و قبیله و مذهب افراد پی برد که بسیار مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

امام علی در خطبه‌ها و نامه‌های خود اصولی‌ترین و کامل‌ترین حق و حقوق شهروندی را به مخاطبان خود آموزش می‌دهد. ایشان با دقت و امعان نظر به بررسی حقوق شهروندی پرداخته و متدهای آموزشی آن را به نحو مطلوبی در نامه‌ها خطبه‌ها و کلمات قصار خود به مخاطبان خود می‌نمایاند. عدم آگاهی افراد از حقوق شهروندی خود باعث ایجاد اختلال در تعاملات و مراودات خود و سبب بروز آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

نهج‌البلاغه حاوی نکات ارزنده‌ای برای زندگی و شناخت بهتر بشر از حق و حقوق خود هست. نکاتی که در سایه توجه به آنها می‌توان به سعادت دنیوی و اخروی دست یافت حقوق زیادی را می‌توان از نهج‌البلاغه استخراج کرده و از ابعاد و زوایای مختلفی آنها را تقسیم‌بندی کرد (فرمهینی‌فراهانی، پیداد، ۱۳۸۹، ۳۰۴).

## مبانی نظری

### حقوق شهروندی و ابعاد آن

با گسترش شهرنشینی و ازدیاد جمعیت شهری، ورود تکنولوژی و وضع مقررات و قوانین در اجتماع بزرگ انسانی جهت حفظ نظم و برقراری امنیت، مفاهیمی چون شهروندی و حقوق شهروندی تولد یافتند و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم به مطالعه و گسترش این مفاهیم شهری پرداختند. به طوری که مفهوم شهروندی اگرچه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مسئله‌دار است (Joppke, 2007؛ Isin & Turner, 2002). یونگ استدلال می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمومی بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت یعنی حالتی که زندگی به صورتی منزوی، فقیرانه، به دور از پاکیزگی و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند.

از نگاه ترنر، شهروندی مجموعه حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایی است که به افراد هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند. برخلاف تفکرات فلسفی و سیاسی، در شهروندی از منظر جامعه‌شناسی، به نهادهایی که در جامعه تجسم یافته و حقوق و وظایفی به افراد اعطا می‌کنند، توجه می‌شود (شارع‌پور، شعبانی، ۱۳۹۵، ۳۷). از نگاه ترنر، وقتی حقوق قانونی و تعهدات به عنوان موقعیت رسمی نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب در جامعه را به مردم اعطا می‌کند و شهروندی نیز بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت می‌کند (شیانی، ۱۳۸۱، ۶۵). به عبارتی دیگر، می‌توان گفت ترنر شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و وظایف قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه معین تعریف شده و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. مارشال نیز شهروندی را پایگاهی اعطاشده به افرادی می‌داند که عضو تمام‌عیار یک جامعه‌اند و مطابق حقوق و وظایف مرتبط با این پایگاه با هم برابرند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۶).

شهروندی بیان یک هویت مشترک است و شهروند به همه اعضای جامعه بزرگی اطلاق می‌شود که عنوان یک فرهنگ را به خود می‌گیرد و از این منظر می‌توان عنوان شهروندی را به همه قلمرو و یک فرهنگ و تمدن اطلاق کرد (غلامی‌نیا، ۱۳۸۸، ۲۱).

معنا و مفهوم شهروند صرفاً به دلیل در کنار هم بودن و با هم بودن انسان‌ها به دست نمی‌آید، بلکه این مفهوم در چارچوب مکان خاص و در زمان مشخص و تحت قالب یک جامعه برخوردار از قدرت عمومی شکل می‌گیرد و اشتغال بر برخورداری عادلانه افراد آن جامعه از امتیازات اجتماعی و تعهدات فرهنگی اقتصادی اجتماعی برای شهروندان آن جامعه دارد.

شهروندی متضمن دخالت مسئولانه در روندهای اجتماعی است و از این منظر تعهدات پذیرفته‌شده در یک بستر خاص اعمال می‌شود. به عبارتی دیگر شهروندی مانند یک موقعیت عضویت در اجتماع الزامات خاص خود را نیز دارد که مشتمل بر مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و تعهدات است (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲، ۸۵).

مفهوم شهروندی در گذر زمان تحولات و تغییرات زیادی به خود گرفته است؛ مثلاً عواملی نظیر نژاد، دین، مذهب و زبان که در گذشته نقش بسیار مؤثری در ثبات شهروندی و حقوق مربوط به آن را داشتند. در واقع حقوق شهروندی از طبیعی‌ترین حقوق انسانی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی و به صرف اینکه از ملتی خاص باشند، دارای این حقوق بوده و دولت‌ها متعهد به تضمین و پاسداری آن هستند.

در مجموع، می‌توان گفت شهروندی مجموعه‌ای از ارتباطات عمده بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت یعنی حالتی از زندگی به صورت منزوی، فقیرانه، به دور از پاکیزگی و به صورت حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه رفتار کنند تا به این هدف برسند.

به عقیده مارشال، شهروندی به سه بعد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی تقسیم می‌شود. حقوق مدنی که برای آزادی‌های شخصی ضروری است و شامل مواردی همچون آزادی بیان، عقیده، تفکر، حق مالکیت اموال و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است. حقوق سیاسی که شامل حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و حق رأی است. حقوق اجتماعی، این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و این حقوق شامل حقوقی مانند مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد است (مارشال، ۱۹۹۴، ۱۷).

کاستلز و دیویدسون در تعریف حقوق شهروندی ضمن اشاره به تعریف سه‌بعدی مارشال از حقوق شهروندی، از انواع دیگر حقوق از جمله حقوق فرهنگی نیز صحبت می‌کنند و معتقدند شهروندی متشکل از چهار نوع حقوق است از جمله:

۱) حقوق مدنی که شامل آزادی و مصونیت از تعرض به اشخاص، آزادی بیان، آزادی مذهب، حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت همچون حبس یا کار اجباری، برابری در مقابل قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، زبان و عقیده است.

۲) حقوق سیاسی برای مشارکت فعالانه در فرایندهای دموکراتیک ضروری است.

۳) حقوق اجتماعی شامل حق کارکردن، برابری در فرصت‌ها (آموزش، بازار کار و...)، استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، رفاهی، آموزشی و...

۴) حقوق فرهنگی نیز طیف گسترده‌ای از حقوق است که احترام به تنوع فرهنگی شهروندان، توجه به عامه مردم، مشارکت در فرهنگ عمومی جامعه و داشتن فرصت برای تغییر آن، حق آموزش و حق انسان برای دستیابی به فرهنگ در تمام ابعاد را دربر می‌گیرد (کاستلز، دیویدسون، ۱۳۸۲، ۲۲۸).

## حقوق شهروندی از منظر اسلام

قرآن کریم کتاب کافی و وافی جهت سعادت بشری است که در تمام عرصه‌های زندگی بشر، هدایتگری کارآمد و راهگشا داشته است. در آن هیچ اغوا و انحرافی نبوده و انسان را از جهل به سعادت و کمال رهنمون می‌شود. از دیدگاه قرآن، بشر موجودی است مصطفای خداوند امین، با سرشتی پاک، خداجو و خداشناس که حق بهره‌گیری از تمام مواهب را دارد. از طرفی دیگر در برابر مواهب الهی وظایف و مسئولیت‌هایی را نیز عهده‌دار است. قرآن کریم اصول و مبانی تفکرات و اندیشه‌های لازم برای سعادت و کمال بشری اصول تربیت و اخلاق و نظام اجتماعی و خانوادگی را تبیین کرده و تفسیر آن را بر عهده سنت و اجتهاد قرار داده است (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۵۲).

از جمله مصادیق حقوق شهروندی در دین اسلام توجه به منزلت و کرامت همه انسان‌هاست و آنچه موجب برتری یک انسان بر دیگری می‌شود، تنها تقواست. یعنی چگونگی عمل و رفتار آدمی است که موجب کسب فضیلتی افزون بر دیگری می‌شود، نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، نژاد، قومیت و... بنابراین همه انسان‌ها از حقوق یکسانی برخوردار هستند. از دیگر مصادیق حقوق شهروندی در اسلام، آزادی عقیده و مذهب است. مطابق آیات قرآن، پیامبر اکرم (ص) مأمور ابلاغ احکام، آداب و عقاید اسلامی بودند؛ در آیا ۹۹ سوره مائده بیان شده است: «بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند آنچه را آشکار یا کتمان می‌کنید می‌داند». بر این اساس هر کس حق دارد هر دین و آیینی را بپذیرد، ولی باید در قیامت پاسخگوی عدم پذیرش دین حق باشد. از دیگر مصادیق حقوق شهروندی، حق مسکن و امنیت زندگی خصوصی است؛ مسکن تنها محل سکونت و آرامش اشخاص و اعضای خانواده آنها نیست، بلکه علاوه بر آن محلی کاملاً خصوصی و به عبارتی حریم خصوصی محسوب می‌شود و از آنجا که مسکن محل آرامش و خلوتگاه اشخاص است، باید از هرگونه تعرضی مصون باشد. همچنین از سایر مصادیق حقوق شهروندی در اسلام می‌توان به تأمین امنیت شهروندان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصی اشاره کرد. در آیات متعدد قرآن از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است.



اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسان‌های دیگر نیز محترم شمرده است. علاوه بر این، اصلی‌ترین مؤلفه‌های حقوق شهروندی در قرآن کریم آزادی، حق حیات، برابری، برابری و عدالت، آزادی عقیده و نفی اکراه در دین هستند (خزائی، مرادخانی، ۱۳۹۴، ۸۳). احمدپور (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام»، بر این باور است که مبانی حقوق شهروندی در اسلام از دو زاویه شهروندان و دولت قابل طرح است که از جهت نخست کرامت انسان، فطرت خداجوی وی، دارا بودن دو جنبه فردی و اجتماعی از مبانی شناسایی و تعیین حقوق شهروندی در اندیشه اسلامی محسوب می‌شوند. از چشم‌انداز حکومت اسلامی، ماهیت خدمتگزاری دولت اسلامی، اصل عدالت و اصل رضایت عموم مردم از جمله مبانی دیگر ضرورت حقوق شهروندی در جامعه و حکومت اسلامی است. در سیره سیاسی اجتماعی معصومان (ع) نیز اهتمام به حقوق مردم و افراد جامعه بسیار زیاد بوده است. این امر، مبتنی بر تکریم دیگران و حفظ حرمت و حقوق آنها بود. در سیره مبارک پیامبر گرامی اسلام (ص) در موارد مختلفی چنین حقوقی برجسته شده است. آن حضرت همواره همراه تکریم، با دیگران برخورد کرده و مسلمانان را به اکرام دیگران فرامی‌خوانده است. آن بزرگوار در توصیه‌ای می‌فرماید: «هر کس برادر خویش را گرامی دارد، خدا را گرامی داشته است» (بهرزولک، ۱۳۸۷). در شریعت اسلام از مسلمانان به عنوان شهروندان یک جامعه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی خواسته شده همیشه در کارها به یاد خدا باشند و در کارهایشان انگیزه قریه الی‌الله را حفظ کنند. مهم‌ترین تجلی همین باور اعتقادی و قلبی، ضمانت اجرای درونی است که در صورت وجود، از هر نوع ضمانت اجرای بیرونی قوی‌تر و تأثیرگذارتر است و مسئولان نیز باید زمینه بروز آن را در جامعه بیش از پیش فراهم کنند. مسئولیت تک‌تک شهروندان مسلمان نسبت به مصالح عموم و فرد فرد همشهریان خود، کانونی‌ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد و اسلام این معنا را با تأکید بر مفهوم «ولایت» متقابل شهروندان بر یکدیگر مورد تنفیذ قرار داده، به گونه‌ای که پایبندی به این تکلیف اساساً شرط ایمان است.

## روش تحقیق

در تحقیق حاضر برای پاسخگویی به این پرسش که ابعاد و مؤلفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه کدامند، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی روشی است که برای تفسیر محتوای داده‌های متنی (همچون یک کتاب) از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی الگوها به کار می‌رود (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵). رویکردهای موجود در زمینه تحلیل محتوای کیفی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱) تحلیل محتوای عرفی یا متعارف، ۲) تحلیل محتوای جهت‌دار و ۳) تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی. تحلیل محتوای متعارف بیشتر زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم کند. این شیوه تحلیل محتوا بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق درباره یک موضوع است. در اینجا هدف تحقیق استقرایی، کمک به پدید آمدن یافته‌های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست (تبریزی، ۱۳۹۳، ۱۲۳-۱۲۲). گاه نظریه یا تحقیقات پیشین درباره یک پدیده مطرح است که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه یا خود نظریه است. بدین ترتیب، تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرآیند ساختارمندتری برخوردار است (ایمان، نوشادی، ۱۳۹۰، ۲۴). رهیافت سوم تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی است که با شمارش لغات یا محتوای آشکار آغاز می‌شود. سپس تحلیل به مفاهیم و مضامین پنهان گسترش می‌یابد (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲، ۹۰). در تحقیق حاضر از میان سه رویکرد فوق، تحلیل محتوای متعارف به عنوان روش تحقیق انتخاب شده است. در این رویکرد، نظریه‌های از پیش موجود جایگاهی ندارند و اطلاعات جمع‌آوری شده (چه متن کتاب و چه از طریق مصاحبه و...) از طریق تداعی معنا تحلیل می‌شوند. در این حالت، تحلیل داده‌ها با خواندن آنها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درکی کامل درباره آنها به دست آید. به بیان دیگر، محقق بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد

مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را آغاز می‌نماید و با خواندن مکرر آن تحلیل خود را تکمیل می‌کند (قهرمان، کشاورز، ۱۳۹۵، ۱۴۵). جامعه آماری تحقیق، تمامی خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه (ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی) است. واحد تحلیل نیز جملات خطبه‌ها و نامه‌ها هستند.

## یافته‌ها

توجه به حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای باعث قوام، مشروعیت و استمرار نظام سیاسی حاکم را فراهم خواهند آورد (آرایی، بصری، ۱۴۰۲). طبق دیدگاه امیر مؤمنان (ع) در نهج‌البلاغه حکومت فقط زمانی اعتبار می‌یابد که به وسیله‌ای در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی که همه از شاخصه‌های حقوق شهروندی است، باشد (محمدی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۰). امام علی (ع) در خطبه‌ها و نامه‌های خود، اصولی‌ترین و کامل‌ترین حق و حقوق شهروندی را به مخاطبان خود آموزش می‌دهد. ایشان با دقت و امعان نظر به بررسی حقوق شهروندی پرداخته و متدهای آموزشی آن را به نحو مطلوبی در نامه‌ها، خطبه‌ها و کلمات قصار خود به مخاطبان می‌نمایاند (شاهنده، ۱۴۰۱). در نهج‌البلاغه مفاهیم مختلفی در جاهای گوناگونی از جمله در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، به کار برده شده‌اند که ناظر به مفهوم حقوق شهروندی در جامعه اسلامی‌اند. بعضی از این مفاهیم در هر جا که به کار برده شده‌اند، منظور حضرت از آنها «شهروندان» بوده است، از جمله مفهوم «الرعیه» و کلمات هم‌خانواده با آن. بعضی از این مفاهیم در برخی جاهایی که به کار رفته‌اند در معنای «شهروند و شهروندی» و در بعضی جاها به معانی دیگر و عام‌تری به کار رفته‌اند، مانند واژه‌های «الناس» و «الاهل» (کاوسی، نایی، ۱۳۹۴، ۹۳). بیشتر مواردی که در نهج‌البلاغه از واژه «الرعیه» و سایر مشتقات آن استفاده شده، شامل توصیه‌های آن حضرت به کارگزاران حکومت درباره رعایت حقوق شهروندی مردم در جامعه اسلامی است. این توصیه‌ها، با توجه به موقعیت زمانی و مکانی، متغیر و متنوع است. سایر موارد استفاده از این واژه نیز شامل مواردی از قبیل شرح حقوق متقابل رهبر و مردم و رعایت حق در جامعه و ثمرات

این مسئله است و در جایی نیز از رعیت به عنوان فرمان‌برداران حکومت یاد شده است. علاوه بر واژه «الرعیه» که معنای شهروند را می‌دهد، واژه‌هایی مثل «الاهل» و «الناس» نیز در برخی موارد در معنای شهروند به کار رفته‌اند (عربی‌فر، ۱۳۸۹، ۷۴).

با تحلیل محتوای خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه، مهم‌ترین ابعاد حقوق شهروندی که قابل استخراج هستند، عبارت‌اند از: حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اجتماعی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، حقوق اقتصادی شهروندان، حقوق معنوی شهروندان، حقوق قضائی شهروندان. حال به توضیح هر یک از این حقوق از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته می‌شود.

### حقوق سیاسی شهروندان

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق سیاسی در نزد امام (علی) آن است که ایشان حاکمیت را از آن مردم می‌داند. در واقع از نظر ایشان، مردم صاحبان اصلی حکومت هستند. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«وصف بیعت بی‌همانند شما مردم! برای بیعت کردن به سوی من یورش آوردید، چونان مادران تازه زاییده که به طرف بچه‌های خود می‌شتابند و پیای فریاد کشیدید: بیعت! بیعت! من دستان خویش فروبستم، اما شما به اصرار آن را گشودید، من از دست دراز کردن، سر باز زدم و شما دستم را کشیدید» (خطبه ۱۳۷).

از دیگر جنبه‌های حقوق سیاسی در نهج‌البلاغه، تأکید امام علی (ع) بر حقوق متقابل بین مردم و زمامداران حکومت است. از منظر ایشان در اسلام، مردم و حاکم نسبت به یکدیگر حقوق متقابل دارند و چنین نیست که حاکم فقط حکومت کند و مردم فقط اطاعت (دلشادتهرانی، ۱۳۸۹، ۱۱۷-۱۱۵).

امام علی (ع) در این مورد خطاب به مردم می‌فرماید: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش

دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است که با من وفادار باشید و در آشکار و نهان خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید» (خطبه ۳۴).

در مجموع، حضرت علی (ع) حقوق متقابل مردم و حاکمان را یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندان در هر جامعه‌ای می‌داند که در صورت تحقق آن، حکومت به درستی سروسامان می‌گیرد و مهربانی، عزت و عاقبت‌بخیری همه‌جانبه و فراگیر شکل می‌گیرد.

امام علی (ع) یکی دیگر از جنبه‌های حقوق سیاسی را انتصاب افراد شایسته به امر حکومت می‌داند. در واقع، «از آنجایی که اداره‌کنندگان امور کشور را پیش‌قراولان پاسداشت حقوق شهروندی هستند، باید شایسته‌ترین افراد را برای این امر برگزید؛ چراکه از کسی که شایستگی نداشته باشد، نمی‌توان انتظار اجرای حقوق شهروندی را داشت» (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۷).

### حقوق معنوی شهروندان

یکی از حقوق شهروندان، رفتار مناسب و انسانی با ایشان است. در دیدگاه امیر مؤمنان علی (ع) زمامداران و حاکمان، خدمتگزاران مردم هستند، چنانچه به درستی امور مردم را به انجام رسانند، به وظیفه خویش عمل کرده‌اند، هیچ‌گونه منعی بر شهروندان ندارند به‌علاوه حاکمان وظیفه دارند با شهروندان مدارا کرده با ایشان نرم‌خو باشند و پیوسته در رفع نیازهای آنها بکوشند (خزائی، ۱۳۹۵، ۷۵).

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق معنوی در کلام امام علی (ع)، حق برخورداری از احترام و محبت است. برخورد‌های دوستانه و سرشار از محبت و احترام یکی از اساسی‌ترین عواملی است که منجر به ارتباط و نزدیکی زمامداران و شهروندان با یکدیگر می‌شود. در این زمینه، امام علی (ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «قلب خویش را نسبت به ملت خود

مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری».

برخورد با نرم‌خویی و مدارا با شهروندان نیز از اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق معنوی است که امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه بدان پرداخته است. در این خصوص، ایشان نامه‌ای به محمد بن ابی بکر هنگامی که وی را به حکومت مصر منصوب کرد، بدین شرح نگاشت: «بال‌های محبتت را برای آنها بگستر! و پهلوی نرمش و ملایمت را بر زمین بگذار! چهره خویش را برای آنها گشاده دار و تساوی در بین آنها حتی در نگاه‌هایت را مراعات کن!» (نامه ۲۷).

حفظ اسرار مردم یا شهروندان از سایر جنبه‌های حقوق معنوی شهروندان از دیدگاه امام علی (ع) در نظر گرفته شده است. «حفظ اسرار شهروندان باعث اعتماد مردم به کارگزاران و حکومت می‌شود؛ از این‌رو، کارگزاران باید در حفظ اسرار مردم کوشا باشند» (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۹). امیر مؤمنان در این زمینه به مالک اشتر می‌فرماید: «باید آنها که نسبت به رعیت عیب‌جو ترند از تو دورتر باشند؛ زیرا مردم عیوبی دارند که والی در ستر و پوشاندن آن عیوب از همه سزاوارتر است» (نامه ۵۳).

آخرین جنبه از حقوق معنوی شهروندان در نهج البلاغه مربوط به ساده‌زیستی است. علی (ع) که الگوی زهد، قناعت و ساده‌زیستی است، هنگامی که باخبر شد کارگزارش «عثمان بن حنیف انصاری» در جشن عروسی جوانی بصری شرکت کرده که در آن مجلس بسیار ریخت‌وپاش شده، نامه‌ای به او نوشت و ضمن توبیخ او به خاطر شرکت در آن میهمانی، زندگی خود را چنین توصیف کرد: «بدان امام شما از دنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است، آگاه باش! شما توانایی آن را ندارید که چنین باشید امام را با ورع، تلاش، عفت، پاکي و پیمودن راه صحیح یاری دهید، به خدا سوگند من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته‌ام و از غنائم و ثروت‌های آن مالی ذخیره نکرده‌ام و برای این لباس کهنه‌ام بدلی مهیا نساخته‌ام و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته‌ام» (نامه ۴۵).

## حقوق اجتماعی شهروندان

حقوق اجتماعی، به حقوق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از کمترین حقوق استاندارد رفاه اجتماعی گفته می‌شود. در واقع، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود (گیدنز، ۲۰۰۹). تحلیل و کنکاش در متن نهج‌البلاغه بیانگر آن است که امیر مؤمنان علی(ع) به حقوق اجتماعی شهروندان توجه زیادی داشته‌اند.

تأمین امنیت شهروندان در مقابل اشرار و دشمنان داخلی و خارجی یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها تلقی می‌شود. وجود امنیت یکی از زمینه‌های اصلی ایجاد تعادل و اجرای عدالت در جامعه و ارتقای حقوق شهروندی است. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «مردم به زمامداری نیازمندند خواه نیکوکار باشد یا بدکار تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در دوران حکومت او، زندگی را طی کنند و به وسیله او اموال بیت‌المال جمع‌آوری گردد و به کمک او با دشمنان مبارزه شود، جاده‌ها امن و امان، حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، مردم در امان باشند» (خطبه ۴۰).

عبارات مزبور نشان‌دهنده آن است که یکی از اهداف اصلی حکومت، تأمین امنیت برای شهروندان، به‌ویژه شهروندان ضعیف و ناتوان جامعه اسلامی است.

برقراری عدالت اجتماعی در بین مردم یکی دیگر از جنبه‌های حقوق اجتماعی شهروندان در نهج‌البلاغه است. «امام علی(ع) عدالت را تساوی و برابری حق افراد (در شرایط برابر) تعریف نموده و معتقد است که بنا بر اصل تساوی افراد در خلقت، آزادی و مساوات یک حق بشری و الهی برای همه شهروندان است» (کاوسی، نایی، ۱۳۹۴، ۱۰۵). ایشان در توزیع یا تقسیم بیت‌المال با عدالت تمام رفتار می‌کردند و در این بین فرقی بین فرزندان، نزدیکان و بزرگان قریش قائل نمی‌شدند. به‌طوری که ایشان در مقابل

پسرعموی خود عقیل که درخواست یک من گندم از بیت‌المال داشت حاضر نشدند درخواست عقیل را قبول کنند (خطبه ۲۲۴).

عمران و آبادانی شهرها از دیگر جنبه‌های حقوق شهروندی اجتماعی در نهج‌البلاغه است که امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر بدان پرداخته است. عمران و آبادی شهرها و روستا یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌هاست که منجر به افزایش رفاه اجتماعی در جامعه می‌شود (نامه ۵۳).

از دیگر جنبه‌های حقوق اجتماعی شهروندی در نهج‌البلاغه، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه است؛ به طوری که در حکومت امام علی (ع) تأمین رفاه اقشار آسیب‌پذیر جامعه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. ایشان در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «خدا را، کسانی که راه چاره ندارند یعنی مستمندان و نیازمندان و تهیدستان و از کارافتادگان، در این طبقه هم کسانی هستند که دست سؤال دارند و هم افرادی که باید به آنها بدون پرسش، بخشش شود، بنابراین به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده عمل نما» (نامه ۵۳).

آخرین جنبه از حقوق اجتماعی شهروندان در نهج‌البلاغه مربوط به مشارکت مردم یا شهروندان در امور مختلف است. «امام علی (ع) ضمانت احقاق شهروندی را به میزان مشارکت فعال شهروندان در عرصه شهروندی نسبت داده‌اند و تحقق‌پذیری حکومت و آرمان‌های آن را در گرو نقش مردم و پیروی همگان از قوانین دولت معرفی کرده‌اند» (پاکشیر و برزگر، ۱۳۹۴، ۱۰۸).

### حقوق فرهنگی شهروندان

حقوق فرهنگی به معنای پذیرش و به رسمیت شناختن هویت‌های گروه‌های مختلف اجتماعی بدون ایجاد موانعی برای بازنمایی هویت‌ها یا تحریف و تحقیر آنها است (استیونسون، ۲۰۰۳). حقوق فرهنگی برای صلح، همبستگی اجتماعی، روابط مسالمت‌آمیز، احترام و پذیرش متقابل افراد و گروه‌ها ضمن حفظ تنوع قومی و مذهبی ضروری است (تترولت، ۲۰۱۳). حقوق فرهنگی



مردم یکی از مهم‌ترین ابعاد حقوق شهروندی افراد است که چند هزار سال پیش مورد توجه امیر مؤمنان علی(ع) بوده است. از جمله جنبه‌های حقوق فرهنگی مورد اشاره در نهج‌البلاغه، می‌توان به حق تحصیل علم یا دانش‌اندوزی، حق برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده و پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی اشاره کرد.

حق دانش‌اندوزی و کسب علم یکی از جنبه‌های حقوق فرهنگی شهروندان است که ایشان تأکید فراوانی بر آن داشته‌اند. در واقع می‌توان گفت امام علی(ع) یکی از موانع عدم تحقق حقوق شهروندی را جهل یا نادانی شهروندان می‌داند. ایشان در بخشی از خطبه ۳۴ می‌فرمایند: «حق شما بر من آن است که شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید». یا در خطبه ۱۰۵ می‌فرمایند: «در فراگرفتن دانش بکوشید پیش از آن که درخت آن بخشکد و پیش از آن که به خود مشغول گردید (و در دنیا فروروید) از معدن علوم، دانش استخراج کنید». همچنین در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرمایند: «با دانشمندان زیاد به گفت‌وگو بنشین و با حکما و اندیشمندان نیز بسیار به بحث پرداز. این گفت‌وگوها و بحث‌ها باید درباره اموری باشد که به وسیله آن وضع کشور را اصلاح می‌کند و آنچه موجب قوام کار مردم پیش از تو بوده است» (نامه ۵۳).

از دیگر جنبه‌های حقوق فرهنگی شهروندان، برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده است. آزادی در اظهار عقیده و ابراز آن، آزادی انتقاد، آزادی ابراز موضع سیاسی و... از مصادیق آزادی بیان است. امام علی(ع)، در دوره حکومت خود نه تنها آزادی بیان را محدود نکرد، بلکه با صراحت بر گسترش این آزادی تأکید ورزید و فرمود: «آن‌گونه که با زمامداران ستمگر سخن می‌گویید با من سخن مگویید و آنچنان که در پیشگاه حکام خشمگین و جبار خود را جمع‌وجور می‌کنید، در حضور من نباشید و به‌طور تصنعی (و منافقانه) با من رفتار نمایند و هرگز گمان مبرید در مورد حقی که به من پیشنهاد کرده‌اید ناراحت شوم» (خطبه ۲۱۶). از مقولاتی که در زمینه آزادی بیان در نهج‌البلاغه می‌توان استفاده کرد، امر به معروف و نهی از منکر است. معروف و منکر را نباید تنها در محدوده مسائل فردی و اجتماعی دید، بلکه در همه

زمینه‌ها از جمله مسائل سیاسی این اصل جایگاه دارد. امیر مؤمنان علی(ع) تأکید خاصی روی امر به معروف و نهی از منکر داشتند. به طوری که سفارش پایانی عمر امام همین فریضه است: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما مسلط می‌شوند سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌گردد» (نامه ۴۷).

پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی از دیگر جنبه‌های حقوق فرهنگی شهروندان در اندیشه امام علی(ع) است. ایشان برخورد عادلانه و به دور از تبعیض را در خصوص این گروه‌ها لازم می‌دانستند؛ به طوری که امام در نامه ۵۳ خود می‌فرماید: «ای مالک مردم از گروه‌های مختلف تشکیل یافته‌اند که هر کدام جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شوند و هیچ کدام از دیگری بی‌نیاز نیستند. (این گروه‌ها عبارت‌اند از: لشکریان خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات عالی و دادگستر، عاملان انصاف و مدارایی (انتظامات داخلی)، اهل جزیه و مالیات اعم از کسانی که در پناه اسلام‌اند یا مسلمان‌اند و تجار و صنعت‌گران و بالاخره قشر پائین یعنی نیازمندان و مستمندان، برای هر کدام از این گروه‌ها خداوند سهمی را مقرر داشته و در کتاب خدا، یا سنت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم که به صورت عهد در نزد ما محفوظ است این سهم را مشخص و معین کرده است».

### حقوق اقتصادی شهروندان

تنظیم نظام اقتصادی از مهم‌ترین راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است. اسلام به عنوان یک مکتب زندگی‌ساز ضمن توجه جدی به این مسئله مهم، قوانینی را وضع نموده که در پرتو آن عدالت اقتصادی تأمین شود (خزائی، ۱۳۹۵، ۸۰). امام علی(ع) نیز در پرتو این آموزه‌های اسلامی، در نهج البلاغه مطالبی را در جهت تحقق حقوق اقتصادی شهروندان مطرح کرده‌اند. ایشان افزایش درآمد و رفاه مردم، توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال و گردش سرمایه را مهم‌ترین راه‌های تأمین حقوق اقتصادی شهروندان بیان کرده‌اند.

امام علی (ع) افزایش درآمد و رفاه مردم را حق مردم بر حاکمان می‌داند و در خطبه ۳۴ می‌فرماید: «حق شما بر من آن است که بیت‌المال شما را در راه شما صرف کنم». از راه‌هایی که ایشان در جهت افزایش رفاه و درآمد مردم به کار می‌برد این بود که در زمان سختی‌ها و مشکلات، زمامداران باید میزان مالیات را تخفیف می‌دادند. حضرت در نامه خود خطاب به مالک اشتر بیان می‌دارد: «خراج و مالیات را دقیقاً زیر نظر بگیر! به گونه‌ای که صلاح مالیات‌دهندگان باشد. اگر رعایا از سنگینی مالیات و یا رسیدن آفات، یا خشک شدن آب چشمه‌ها و یا کمی باران و یا دگرگونی زمین در اثر آب گرفتن و فساد بذرها و یا تشنگی بسیار برای زراعت و فاسد شدن آن به تو شکایت آورند. مالیات را به مقداری که حال آنها بهبود یابد تخفیف ده» (نامه ۵۳).

امام علی (ع) توجه ویژه‌ای به توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال داشت. به طوری که در آغاز خلافتش هنگامی که عطایای عثمان را به بیت‌المال برگرداند، فرمود: «به خدا سوگند آنچه از عطایای عثمان و آنچه بیهوده از بیت‌المال مسلمین به این و آن بخشیده، اگر بیابم، به صاحبش بازمی‌گردانم» (خطبه ۱۵). بر اساس دیدگاه امام علی (ع) حکومت می‌باید از تجمیع شدن ثروت در دست عده‌ای جلوگیری کند و آن را به شکل مساوی میان همه شهروندان تقسیم نماید. توزیع برابر مالیات میان مردم و جلوگیری از دخل و تصرف عده‌ای محدود در بیت‌المال روش عدالت اقتصادی مورد نظر امام علی (ع) است که بدان وسیله رفاه عموم مردم تأمین شده و حقوق اقتصادی آنها برآورده می‌شود. برای مثال ایشان در نامه‌ای به «زیاد بن ابیه» می‌فرمایند: به خداوند، سوگند یاد می‌کنم اگر گزارش رسد که از غنایم و بیت‌المال مسلمین چیزی کم یا زیاد به خیانت برداشته‌ای، آنچنان بر تو سخت بگیرم که در زندگی کم بهره و بی‌نوا و حقیر و ضعیف شوی» (نامه ۲۰). یا در نامه خود به یکی از فرماندارش می‌نویسد: «آگاه باش حق مسلمانانی که نزد من و یا پیش تو هستند در تقسیم این اموال مساوی است، باید همه آنها به نزد من آیند و سهمیه خود را از من بگیرند» (نامه ۴۳).

در اسلام با بررسی موارد و نمونه‌هایی چون زکات، خمس، مالیات، مضاربه و نظایر آنها، نهادهای اقتصادی که در فقه اسلامی پیش‌بینی شده‌اند، امکان

راه‌اندازی و به‌گرددش درآوردن سرمایه به وسیله عواملی غیر از سرمایه‌دار انجام می‌گیرد و سود حاصل به‌طور عادلانه در میان اقشار مختلف توزیع می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ج ۴، ۱۲۱). امیر مؤمنان علی (ع) نیز اخذ مالیات و گرفتن زکات را یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش حقوق اقتصادی شهروندان می‌دانند. ایشان در سفارش‌هایشان به مأموران جمع‌آوری زکات می‌فرمایند: «هر چه جمع‌آوری کردی فوراً به سوی ما روانه ساز تا آنها را در مصارفی که خداوند فرمان داده است مصرف کنیم» (نامه ۲۵).

### حقوق قضائی شهروندان

از نظر امام علی، آن اصلی که می‌تواند حقوق شهروندی و تعادل اجتماع را رعایت کرده و به‌پیکر اجتماع سلامت و به‌روح جامعه آرامش بدهد، عدالت است (خطبه ۳۳). ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر و روح آن کسی را که به نفع او ستمگری می‌شود، راضی و آرام نگه دارد تا چه رسد به ستمدیدگان و پایمال‌شدگان عدالت بزرگرایی است عمومی که همه را می‌تواند در خود بگنجاند و بدون مشکلی عبور دهد اما ظلم و جور کوره‌راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی‌رساند (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۱۳). از نظر ایشان عدالت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی جهت رسیدن شهروندان جامعه به حق و حقوق خود بوده و آن را ناموس بزرگ اسلامی تلقی می‌کرد و سیاست خود را بر مبنای این اصل تأسیس کرده بود. ممکن نبود به خاطر هیچ هدفی کوچک‌ترین انحراف و انعطافی از آن پیدا کند.

برقراری عدالت در دستگاه قضائی علاوه بر مقررات و قوانینی که مربوط به شخص قاضی می‌شود، نیاز به بازرسی و نظارت بر کار قضاوت دارد. دستگاه قضائی عهده‌دار مجازات مجرمان است تا شهروندان در امنیت قرار گیرند و از آزار و اذیت متجاوزان به حقوق اجتماعی محفوظ بمانند. اگر فساد و عمل به ناحق از آن دیده شود، از دیگر ارگان‌های جامعه نمی‌توان انتظاری داشت بنابراین، رسیدگی و نظارت بر رفتار متولیان امور قضائی هم باید از سوی نظام اسلامی صورت گیرد و هم از سوی مردم. امام علی (ع) نیز نظارت مستمری بر روی مسئولان قضائی داشت و حتی افرادی را نیز برای این کار مأمور کرده

بود. برای مثال؛ امیر مؤمنان علی (ع) وقتی متوجه شدند یکی از قاضیان خود یعنی «شریح ابن حارث» خانه‌ای به قیمت ۸۰ دینار خریده بود ایشان را احضار کرد و فرمود: «ای شریح بنگر این خانه را از ثروت غیر خود نخریده یا بهای آن را از غیر مال حلال خود نپرداخته باشی که هم در دنیا و هم در آخرت خود را زیانکار کرده‌ای آگاه باش» (نامه ۳).

یا در نامه خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «از میان مردم، برترین فرد، در نزد خود را برای قضاوت برگزین. از کسانی که مراجعه فراوان آنها را در تنگنا قرار ندهد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را بخشم و کج خلقی وا ندارد. در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق، هنگامی که برای آنها روشن شد، بر آنها سخت نباشد. طمع را از دل بیرون کرده و در فهم مطالب به اندک تحقیق، اکتفا نکند، از کسانی که در شبهات از همه محتاط‌تر و در یافتن و تمسک به حجت و دلیل از همه مصرتر باشند» (نامه ۵۳).

حضرت علی به گسترش اسلام در جهان و نسبت بنیان آن در داخل کشور اسلامی از طریق برهان و ارشاد می‌اندیشید و از طریق آشنا کردن مردم با معارف الهی به دفاع از اسلام می‌پرداخت و هرگاه خلفا دست نیاز به سوی ایشان دراز می‌کردند. آنها را یاری می‌کرد (بیهقی، ۱۳۶۶، ج ۷ ص ۱۶۴ و زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۱، ۵۱۸).

در نظر امام علی، جامعه‌ای که در آن عدل برقرار بوده و برگرفته از اذن و دستور الهی (بقره ۲۴۷، نساء ۵۴، انبیا ۷۹) باشد، جامعه سالمی است و خداوند از دانشمندان عهد گرفته است که برای ساختن چنین جامعه‌ای تلاش و کوشش کنند و آن را بدون مسئولیت رها نکنند و همواره در راه دستیابی به آن باشند و در این میان حکومت عادلانه مهم‌ترین عنصر در تحقق چنین جامعه‌ای است. اگر حکومت عادلانه نباشد یا عادلانه رفتار نکنند، آن جامعه نمی‌تواند عدالت را در روابط اجتماعی مراعات کند؛ در نتیجه سلامت جامعه دچار اشکالات جدی می‌شود (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱، ۲۳۶). ایشان معتقد بود عدالت انسانی سرچشمه الهی و ریشه در ایمان دارد و عدالت اخلاقی را اساس عدالت سیاسی و اجتماعی می‌دانست.

در انتها، در جدول شماره یک مهم‌ترین یافته‌های تحقیق در زمینه ابعاد و مؤلفه‌های حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه از منظر امیر مؤمنان علی(ع) نشان داده شده است.

### جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه

مؤلفه‌ها	ابعاد
<ul style="list-style-type: none"> <li>- حق برخورداری شهروندان از امنیت</li> <li>- برقراری عدالت اجتماعی در بین شهروندان</li> <li>- عمران و آبادانی شهرها و روستاها</li> <li>- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی</li> <li>- مشارکت مردم یا شهروندان در امور مختلف</li> </ul>	حقوق اجتماعی شهروندان
<ul style="list-style-type: none"> <li>- به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردم</li> <li>- حقوق متقابل شهروندان و حاکمان</li> <li>- انتصاب افراد شایسته بر امر حکومت در جهت احقاق حقوق مردم</li> </ul>	حقوق سیاسی شهروندان
<ul style="list-style-type: none"> <li>- حق تحصیل علم یا دانش‌اندوزی شهروندان</li> <li>- حق برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده</li> <li>- پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی شهروندان</li> </ul>	حقوق فرهنگی شهروندان
<ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش درآمد و رفاه شهروندان</li> <li>- توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال</li> </ul>	حقوق اقتصادی شهروندان

- گردش سرمایه از طریق اخذ زکات و مالیات	
- حق برخورداری شهروندان از احترام و محبت - برخورد با نرم‌خویی و مدارا با شهروندان - رفتار درست و انسانی با مردم یا شهروندان - حفظ اسرار مردم یا شهروندان - ساده‌زیستی	حقوق معنوی شهروندان
- نظارت بر رفتار متولیان و مسئولان امور قضائی در جهت احقاق حقوق شهروندان	حقوق قضائی شهروندان

### نتیجه‌گیری

کتاب گران‌بهای امیر مؤمنان علی(ع) یکی از غنی‌ترین کتب و منابع اسلامی است که با گذشت چندین هزار سال از تاریخ نوشتن آن، لزوم توجه و استفاده از مضامین در تمامی زمینه‌های فردی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیش از پیش احساس می‌شود. تحلیل خطبه‌ها و نامه‌های امام علی(ع) بیانگر آن است که در نهج‌البلاغه توجه وافر به مفهوم حقوق شهروندی شده است. مهم‌ترین ابعاد حقوق شهروندی که در نهج‌البلاغه به آنها پرداخته شده اما در نظریات معاصر حقوق شهروندی همچون نظریه مارشال به بخشی از آنها پرداخته شده و به بخشی از آنها پرداخته نشده است، عبارت‌اند از: حقوق اجتماعی شهروندان، حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اقتصادی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، حقوق معنوی شهروندان و حقوق قضائی شهروندان.

هر یک از این ابعاد برخوردار از یک‌سری مؤلفه‌هایی هستند. مؤلفه‌های حقوق اجتماعی شهروندان عبارت‌اند از: حق برخورداری شهروندان از امنیت، برقراری عدالت اجتماعی در بین شهروندان، عمران و آبادانی شهرها و روستاها، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی و مشارکت مردم یا

شهروندان در امور مختلف. مؤلفه‌های حقوق سیاسی شهروندان عبارت‌اند از: به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردم، حقوق متقابل شهروندان و حاکمان و انتصاب افراد شایسته بر امر حکومت در جهت احقاق حقوق شهروندان. مؤلفه‌های حقوق فرهنگی شهروندان عبارت‌اند از: حق تحصیل علم یا دانش‌اندوزی شهروندان، حق برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده و پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی شهروندان. مؤلفه‌های حقوق اقتصادی شهروندان عبارت‌اند از: افزایش درآمد و رفاه شهروندان، توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال و گردش سرمایه از طریق اخذ زکات و مالیات. مؤلفه‌های حقوق معنوی شهروندان عبارت‌اند از: حق برخورداری شهروندان از احترام و محبت؛ برخورد با نرم‌خویی و مدارا با شهروندان؛ رفتار درست و انسانی با مردم یا شهروندان، حفظ اسرار مردم یا شهروندان و ساده‌زیستی. مؤلفه‌های حقوق قضائی شهروندان عبارت است از: نظارت بر رفتار متولیان و مسئولان امور قضائی در جهت احقاق حقوق شهروندان. در مجموع می‌توان گفت امام علی (ع) علاوه بر اینکه نگاه جامع و فراگیری به مفهوم حقوق شهروندی دارد و به نوعی می‌توان گفت تمامی شاخص‌ها و ابعاد شهروندی مدرن را در نهج البلاغه ذکر کرده‌اند، دستورالعمل‌هایی به صورت عملی و دقیق در آن نیز برای اجرای این ابعاد حقوق شهروندی بیان شده است. لذا ضروری است که در کشورهای اسلامی، به‌ویژه در ایران، در تدوین و اجرای منشور حقوق شهروندی از ابعاد و جنبه‌های مورد تأکید امام علی (ع) در خصوص حقوق شهروندی استفاده شود.

## منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. بیهقی، احمد بن علی (۱۳۶۶ش)، تاج‌المصادر، به کوشش هادی عالمزاده، تهران.
۳. خوانساری، آقا جمال‌الدین محمد (۱۳۹۰ش)، شرح غررالحکم و دررالْحکَم، به تصحیح سید جلال‌الدین محدث ارموی، دانشگاه تهران، تهران.
۴. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۹)، حکمت حکومت، دریا، تهران.



۵. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الكشف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالکتاب العربی، بیروت.
۶. شرقی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*، آستان قدس رضوی، مشهد.
۷. شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۲)، *زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی*، میزان، تهران.
۸. عمیدرزنجانی، عباس‌علی (۱۳۸۴)، *فقه سیاسی (اقتصاد سیاسی)*، امیرکبیر، تهران.
۹. فرمهبینی فراهانی محسن و پیدا فاطمه (۱۳۸۹)، *مهارت‌های زندگی*، ۱۰ *مهارت‌کسیدی به همراه مهارت‌های زندگی در نهج‌البلاغه و نهج‌الفصاحه*، شباهنگ، تهران.
۱۰. کاستلز، استفان و دیویدسون، الیستر (۱۳۸۲)، *مهاجرت و شهروندی*، ترجمه فرامرزی‌قی‌لو، پژوهشکده راهبردی، تهران.
۱۱. مطهری مرتضی (۱۳۷۸)، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*، صدرا، قم.
۱۲. آرابی، وحید و باصری، علی (۱۴۰۲)، *سیاست‌گذاری فرهنگ حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران*، *مجله مطالعات حقوق بشر اسلام*، دوره ۱۲، شماره ۱.
۱۳. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲)، *تحلیل کیفی متن: استقرا/قیاس، مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی*، سال اول، شماره ۱.
۱۴. احمدپور، ایوب (۱۳۸۷)، *درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام، پژوهش‌های اسلامی*، سال دوم، شماره ۳.
۱۵. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *تحلیل محتوای کیفی، پژوهش*، سال سوم، شماره ۲.
۱۶. بهروزلیک، غلامرضا (۱۳۸۷)، *کرامت انسانی و شهروندی متعهد در دولت کریمه، انتظار موعود*، سال هشتم، شماره ۲۵ و ۲۶.
۱۷. پاکشیر، عبدالرضا و سپیده برزگر (۱۳۹۴)، *مبانی احقاق حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*، سال دوم، شماره ۷.

۱۸. تبریزی، منصوره (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای میفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، **علوم اجتماعی**، سال بیستم و یکم، شماره ۶۴.
۱۹. خلعتبری لیمائی، حسام‌الدین و حسین جعفری نسب (۱۳۹۷)، نقش مبانی سیاست اسلامی در تبیین حقوق شهروندی، **مجله اخلاق زیستی**، دوره ۸، شماره ۱.
۲۰. دبیرنیا، علیرضا و عبدالسعید شجاعی (۱۴۰۰)، رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **مجله حقوق اسلامی**، دوره ۱۸، شماره ۷۰.
۲۱. شارع‌پور، محمود و مریم شعبانی (۱۳۹۵)، تحلیلی جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری، **توسعه اجتماعی**، سال دهم، شماره ۳.
۲۲. شینائی، ملیحه (۱۳۸۱)، تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، **جامعه‌شناسی ایران**، سال چهارم، شماره ۳.
۲۳. صداقت، قاسم‌علی و جهان‌بین، عبدالله (۱۳۹۱)، تعهدات ایجابی دولت در برابر شهروندان از دیدگاه امام علی (ع)، **معرفت حقوقی**، سال اول، شماره ۳.
۲۴. عباسی، محمود و میثم کلهرنیا گلکار و محمدعلی صدر طباطبایی (۱۳۹۵)، تأملی بر جلوه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه، **اخلاق زیستی**، سال ششم، شماره ۲۱.
۲۵. قدیری، طاهره و ماشاء‌اله حیدرپور و محمد و ترابی (۱۴۰۱)، تحلیل و ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش در ارتقاء حقوق اجتماعی و شهروندی در ایران در پرتو نظریه ساخت یابی، **مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، دوره ۵، شماره ۱۲.
۲۶. قهرمان، میثم و هادی کشاورز (۱۳۹۵)، تحلیل محتوای کیفی الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه امام خمینی، **دانش سیاسی**، سال دوازدهم، شماره ۱.
۲۷. کوثری‌داریانی، ساناز و اسماعیل شیعه و فرح حبیب (۱۴۰۱)، سنجش تأثیر کیفیت فیزیکی-کالبدی محیط شهری بر ارتقای حقوق

شهروندی در کلان‌شهر شیراز، **مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، دوره ۱۲، شماره ۳.

۲۸. محمدی‌فر، نجات و امیرمسعود شهرام‌نیا و حسین مسعودنیا و عباس حاتمی (۱۳۹۶)، بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی در شهر اصفهان، **مجله جامعه‌شناسی کاربردی**، دوره ۲۸، شماره ۲.

۲۹. محمدی مقدم، سنبل و مهدی بهره‌مند و روح‌الله افضلی گروه (۱۴۰۰)، جایگاه عرف در تبیین حقوق شهروندی از نظر فقه اسلام با تأکید بر نهج‌البلاغه، **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۱۱، شماره ۴.

## English

30. Ernst Hirsch Ballin. (2014), **Citizens' Rights and the Right to Be a Citizen**, Martinus Nijhoff Publishers.
31. Isin, E. F, & Turner, B. S. (2002), **Handbook of citizenship studies**, Sage.
32. Joppke, C. (2007), Transformation of Citizenship: Status, Rights, Identity, **Citizenship Studies**, 11(1).
33. Giddens. A. (2009), **Sociology**, 6th Edition, Blackwell Pub.
34. Hsieh, H. F, Shanon, S. E. (2005), Three Approaches to Content Analysis, **Qualitativr Health Research**, Vol. 15, No.9.
35. Marshal, T. H. (1964), **Class, Citizenship & Social Development**, New York: Doubleday & Company, Inc.
36. Stevenson, N. (2003), **Cultural citizenship: cosmopolitan qustions**, Open University Press.

37. Tetreault, C. (2013), Cultural citizenship in France and le Bled among teens of pan-southern immigrant heritage, **Language & Communication**, Vol. 33, No. 4.

